File No.

1856-57.

Collection No. 9

Mutiny Papers

Pros. Serial Nos. Files of Sirāju'l Akhbār.
Vol. 12; no. 27; September 20, 1856.

Subject.

News about the Mughul Court at Delhi and other news from the Dehlī Urdū Akhbār.

Fols. 4; Size 12" x 7¾". (Printed).

Previous References.	Later References.

نمبر ۲۷ سراج الاخبار جلد دوازدهم

من ابتدای یوم شنبه نوزدهم محرم الحرام ۱۲۷۳ هزار و دویست و هفتاد و سه هجری مطابق بیستم شهر ستمبر ۱۸۵۶ عیسوی لغایت جمعه پانزدهم ماه مذکور

اخبار دربار جهان مدار حضرت ظل سبحانی خلیفه الرحمانی فروغ خاندان عالیشان کورکانی چراغ دودمان نجدت نشان صاحبقرانی خلد ملکه بعهدت مرداد آفتاب سپهر. درآورد تصرف یمین کلاه وپکین

مستور شاهین زرین بال آفتاب از آشیانه مشرق پرواز نموده که حضرت جهان پناه ظل الله از نماز پگاه فارغ شده عضد الدوله بهادر را بشناسائی حضور قدس منور ساختند مجرا و تسلیم جلبه حاضرین بارگاه مشمول بعلیخان بهادر و نظارت خان بهادر و سرفراز الدوله کپتان دلدار علیخان و میر عادل بهادر و سیف الدوله وکیل سلطانی و دیگر اراکین دربار جهان مدار بدیوانخانه رونق افروز گشتند بملاحظه دو قطعه شقه مرتبه دارالانشا اسمی امین الدوله بهادر

یکی بمقدمه شصت و سه روپیه محاصل اهل پگاهه ملک منقضیه موسومه نرائینداس مکی بسبب فوت او و بسرکار انگریزی در تعلقه موضع کبله تبول شاهی متضمن بدین ارشاد که ملک مذکور به معافیدار مسطور از عطایای خسروی نموده حالا اشتمال امدنی ملک واقع موضع کبله بجمع مشخصه انسمت وجوب وارسال کل زر مجتمع بحضور پرنور واجب است ان فدوی خاص بکلکتر بهادر دلی خاص نوشته بفرستد که زر سابقه ابلاغ نماید وانیده بشمول امدنی دیهه مذکور

یوم یکشنبه بستم محرم الحرام

فضل بفضل محاصل ان ارسال نموده باشد
و دویمی معه نقل عرضی چودهری کهتیا
و کهاسی رام وغیره کرایه داران اراضی باغ
قدسیه شعر شکایت زمیداران اندهاویلے
و زردی نمودن چوبکری وغیره انان شعر
بدین ارشاد کهان فدویخاص بحضرت بهادر
برنگارد که زمیداران مذکور را از دخل انجا
ممانعت نکنند و مجتمع شدن انها مذهب مسجل مهر خاص
مرقوم داده بنابر اجرای حواله غلام احمد خان
سرچوکی نموده بعد پذیرفتن اداب دکورنش
بهادران نامی نصف النهار هنگام خوان نعمت
زینت داده قیلولهگاه استند اباد
نمازپیشین و دیگر اشغال دلنشین عصر گذارند
اخرین نهار بعرض حضوری حضار دربار
و توزک و سواری خاص جلوه افزا گشته
متوجه سیر و تماشگاه گردیدند و در اثنای راه
اداب دکورنش نظارت خان بهادر
اجابت فرموده از دهوی خاص پورهٔ
داخل ایوان عزوشان شدند
شام گاه حسب معمول عضدالدوله بهادر
یاد فرمودند

وقتی که شهسوار افتاب زمام اشهب تند خرام
بطرف سپهر نیلی فام معطوف ساخت
شهنشاه گیتی پناه بعد انفراغ نماز صبحگاه
عضدالدوله بهادر را بفیض یابی ادراک فیض قدس
نواختند بحضوری ارکین بلند تمکین جلوه افزا
و از زبانی وقارالدوله خلیفه اسمعیل خان
عرض طبع قدس مسموع فرمودند به پذیرش ادب
و کورنش بهادران ذیشان داخل مشکوی
خسروی گشتند طعام تبرک عرس حضرت
مولانا قطب الدین صاحب مرسله زوجه
حضرت شاه نصیر الدین عرف کالیصاحب مغفور
بحضور رسانیدند هنگام نصف النهار
نمک افزای مایده طعام گشته استراحت
فرمودند بعد ادای نمازپیشین و عصر حاضرین
در دولت و عمله سواری را مشرف نرخیص
سرافراز نمودند یک قطعه شقه و خطی خاص
اسمی احترام الدوله بهادر شعر حالات
مزاج قدس نزد خانمذکور فرستادند
خانمذکور بجوابش عرضداشت بحضور

ارسالداشته هنگام مغرب عضدالدوله حکیم غلام نجف
خان بهادر را حسب معمول یاد فرمودند

یوم دوشنبه بست یکم محرم

صبحگاهان حضرت ظلسبحانی خلیفة الرحمانی
نماز بامداد بمودی نموده عضدالدوله بهادر را
شرف نبض شناسی بخشیدند و مجرا و تسلیم جمله
حضار دربار اجابت فرموده در دیوانخاص
رونق افروز گردیدند عرض شد که قلعدار بهادر
حاضر میشود فرمان شد که حاضر شود درین اثنا
بهادر متصف بجبهه ساکر دیده اداب و کورنش
مودی ساخت و باستفسار خیر مزاج اقدس
پرداخت حضور لامع النور نیز تلطفات
عنایت امیز بنسبت بهادر موصوف
فرموده ماندند و بعد تذکره ولیعهدی بشرف
ترخیص سرافراز فرمودند قریب نصف النهار
بعد تناول خاصه و استراحت قیلوله
منشی کمند لعل را یاد فرمودند که دو قطعه شفقه
اسمی امین الدوله بهادر حسب الارشاد اقدس
نوشته حاضر آرد. اخرین نهار بادای
نماز پیشین و دیگر اشغال دلنشین بعز حضوری

سواری و توزک رکاب برامد گشته مجرا و تسلیم
حاضرین درد ولت پذیرا فرموده متوجه
سیر و سواخوری بطرف بازار شتر بے
گردیدند هنگام شام از انجا معاودت فرموده
داخل کاشانه اقبال شدند و همانوقت
حسب معمول عضدالدوله بهادر را یاد فرمودند

یوم سه شنبه بست دوم محرم

بمعمول مستمره از فریضه پگاه انفراغ یافته
عضدالدوله بهادر را به نبض شناسی مستسعد
ساختند حضار دربار موافق معمول بر اورده
ناصیه ساکشتند حضور فیض گنجور از ایوان
بهشت بنیان جلوه افروز شدند تمک راس
اسب بر نمک سبزه بر حضور تصدق گذرانیدند
بمسکینان و محتاجان مرحمت کردند همانوقت
منشی کمند لعل را یاد فرمودند منشی مذکور
حاضر گردیده حسب الحکم هر دو قطعه شفقه
اسمی امین الدوله بهادر یکی در باب
منظور خاطر بودن روانگی قره باصره
خلافت غرد ناصیه جلالت سیر زا محمد حوالی
بجانب کلکته بنابر سیر و سیاحت بلاد و امصار

مشعر بدین ارشاد که اگر در ازای آن فدویخاص
این معنی مستحسن باشد عرضداشت خود
بیاسنخ شقه والا بحضور ارسال دارد
و دویمی مشعر بدین ارشاد که حضور پاتورا
چیزی ازان فدویخاص ضرور ارشاد
فرمودن است ان فدویخاص بحضور
حاضر شود و بنظر انور رسانیده بعد ملاحظه
مسجل بمهر خاص فرموده حکم اجرای سرشته دادند
قریب نصف النهار لذت ابرای مایده
طعام گشته قلیوکاه را رونق دادند
بعد ادای نماز پیشین و دیگر اشتغال عصر
خواندند آخرین نهار بعرض حضوری
ارکین دربار متوجه سیر و تماشا
بطرف سلیم کده گردیدند هنگام مغرب
از انجا مراجعت فرموده
ارم نشان رونق داده عضد الدوله بهادر
حسب معمول یاد فرمودند

یوم چهارشنبه بیست و سوم محرم

بعادت معهود فریضه بامداد گذارده
عضد الدوله بهادر را بمنصب مقدس

کامیاب نمودند و حاضرین درد ولت
اداب و کورنش معروض کنایند
عرض شده که امین الدوله حاضر میشود
چنانچه برای پیشوائی بهادر موصوف به نظارتخانها بهادر
و سیف الدوله وکیل سلطانی فرمان رفت
انها حسب الحکم بجا اوردند درین اثنا
بهادر متصف حسب الحکم از خلوت به شمن برج
ناصیه سای بساط خسروانی گردیده
اداب و کورنش بعرض رسانیده و باستفسار
خبر مزاج اقدس پرداخت حضور لامع النور
چیزی ارشادات در خلوت به بهادر موصوف
فرموده ماندند و انجا نوقت معتبر الدوله بهادر
و نظارت خان بهادر و سیف الدوله
وکیل سلطانی در انجا حاضر ماندند بعد ساعتی
بشرف تر خیص مشرف ساخته داخل
ایوان عزو شان شدند نصف النهار
هنگام خوان نعمت را زینت داده
استراحت فرمودند باداى نماز پیشین
و دیگر اشتغال دلنشین عصر گذاردند
اخرین نهار بعرض حضوری حضار در با
و توزک سواری خاص جلوه افزا گشته

متوجه سیر و تفرج بطرف سلیم گده گردیدند
در انجا زمینداران کانیه وارده عرضداشت
که دیهه سکونت مایان بباعث طغیانی دریا
درغرقی آمده برای سکونت جای از حضور
مرحمت شود فرمان شد که نزد معتبر الدوله بهادر
رفته بیان سازند که او شان جایے
برای سکونت ایشان تجویز نموده خواهد داد
شام گاه از انجا مراجعت نموده
ایوان بهشت بنیان را رونق دادند
وعضد الدوله غلام نجف خان بهادر را
جب معمول باد فرمودند

یوم پنجشنبه چهارم محرم

سکونز از خطوط اشعاعی مهر براوراق
نیلگون جدول طلائی نگردیده که شاه
اسلام پناه فریضه پگاه مودی نموده
وعضد الدوله حکیم غلام نجف خان بهادر را
بشرف نبض شناسی رسانیده رونق افزود
شدند بعد بزمین اداب وکورنش
باریابان بارگاه عز و جاه بلاحظه عرضداشت
بهاری لعل وکیل سرکار سه یک قطعه
واجب العرض سیف الدوله بهادر
درباب طلب مختانه مقدمه نادر محل عبید
از سرکار والا فرمودند که شقه بنام
وارثان میرزا نساخ بنا بر طلب مختانه
نوشته شود و بلاحظه یک قطعه شقه
مرتبه دارالانشا درباب طلب محبوب بخش
طوائف معه نقل عرضی میر عدل بهادر
وعرضی میرزا شهاب الدین بهادر
متضمن نشدن روانگی سمانه مذکور
بباعث مناسبت بودن میرزا شهاب الدین
وبودن اولاد از و مسجل بمهر خاص فرموده
حکم اجرای سرشته دادند و بلاحظه یک قطعه
واجب العرض امین الدوله بهادر
معه هندوی مبلغ [illegible] صد و شناد
وسه روپیه بابت اندنی ماه جولائی
باغ صاحبه اباد فرمودند که داخلای ان
برحسب دستور نوشته فرستاده شوند
مجرا و تسلیم بهادران نامبے اجابت فرموده
داخل منکوی خسروی گردیدند
قریب نصف النهار خوان الوان
نعمت را زینت داده قبلوگاه را

رونق دادند باد ای نماز پیشین و دیگر اشغال
دلنشین عصر گذاردند اخرین نهار
بعرض حضوری تونرک رکاب و دیگر عمله
عقیدت مآب برخصت نواخته
شنام کاه عضد الدوله حکیم غلام نجف بهادر را
حسب معمول باد فرسپ نمودند

یوم جمعه بیست پنجم محرم

باد ای فریضه یوم آدینه عضد الدوله حکیم
غلام نجف خان بهادر را بسعادت نیض شناسی
مستسعد ساخته حاضرین درد ولت را
برخصت نواختند بلاحظه یک قطعه
واجب العرض امین الدوله بهادر
مشعر ضرور بودن روانگی محبوب نجیب
طوایف بعدالت نوبداری بدرخواست
صدور حکم والا بنام کارگذاران خلاف
بنابر فرستادن مسماة مذکور فرمودند
که سنقه خاص بنابر طلب زود تر
بنام میر عدل بهادر عز صدور یابد
وبلاحظه دو قطعه سنقه مرتبه دارالانشاء
اسمی امین الدوله بهادر یکی در باب

رسیده اندنی باغ صاحبه اباد و دویمی
معه نقل عرضیه راجه زورآور چند بهادر
بمقدمه واصل ماندن قسط تمسک
شش هزار روپیه موسومه امراو سنگه
واجو دیبا پرشاد بباعث انتقال
اجو دیبا پرشاد اکنون از رسید جمناداس
جدا اجو دیبا پرشاد و امراو سنگه
متضمن بدین ارشاد که چون حضور انور را
تلف حق احدی منظور نیست ان فدوی
یک صد و شناد و هفت روپیه بنشانه
مجتمع خزانه انجنتی بابت فصل گذشته
از رسید بهری ایشان را بدهد
وانیده را نیز سیداده باشد مسجل
بمهر خاص فرموده حکم اجرای شرشنه دادند
نصف النهار هنگام لذات پیرای
مایده طعام شده رستراحت فرمودند
بعد ادای نماز پیشین و دیگر اشغال دلنشین
عصر خواندند اخرین نهار بعرض حضوری
حضار دربار و سواری و تونرک رکاب
برامده متوجه سیر و تفرج بطرف
بازار شری گردیدند بعد ساعتی از انجا

معاودت کرده ورد پوا نخاص جلوه افزا
گشتند اداب وکورنش بجا آوردند نظام الدین
وغیره سالاطینان اجابت فرموده عقد نکاح
پسر میرزا نور با صبیه میرزا ابوسعید بهادر
رو بروی خود منعقد ساخته داخل
کاشانه اقبال گردیدند هنگام شام
عضد الدوله اعظم غلام نجف خان بهادر را
حسب معمول باد افسر سوند ؛

دهلی اردو اخبار
خبر کابل

کاربانذنت دهلی کثرت کا انی جنہی
مرقومہ یکم ستمبر سنہ روان مین مقام
مذکور سے الکہتا ہی کہ ۳۰ تاریخ می
سنہ حال کو مینی نہین اطلاع دی ہے
کہ سپاہ ایران نی ہرات کو تسخیر کرلیا
یہہ شہرت قرلباشان کابل نے شایع
کیے تہے جنانچہ وہ لوگ اپنے حال
فتح مذکور نہ بتفصیل بیان کرتی ہین
لیکن اکثر اہالی شہر اور اہالی دربار
اسکے خلاف ظاہر کرتی ہین بلکہ سردار
محمد عمر خان ناظم کابل نے واسطی
مشہور کرنی ایسی جہوٹی خبرون کے
ایک شخص کو سزا بہی دی سو جب تک
ہمین خاص ہرات سے بموجب خط کی
خبر صحیح ارباب تسخیر ہرات پوہنچی کے خبر
۳۰ تاریخ می کی مشکوک ہے بانجملہ منجملہ
قاصد ہرات کو بہیجا ہے برونت
اسکے معاودت کی جو خبر وہ لاوینگا
مین تمہاری پاس بہیجون گا کہنے مین
کہ سید محسن نام ایک قاصد ملازم
صاحب کمشنر پشاور نے ہرات سے
معاودت کی ہے اور بیان کرتا ہے
کہ شاہزادہ مراد میرزا جا شاہ ایران کا
مع کچہہ فوج کمک کی لشکر ایران
منضم ہرات مین پونہچا ہے — قاصد
مذکور نے سیری ایک دوست سے
سرای مین کہا کہ مین ایک سرباز یعنے
ایرانی سپاہی کے ساتہہ گرد لشکر ایران مین
پہرا دیتا تہا اور اوسکی زبانی دریافت
کیا کہ کل فوج قاجار ۳۶ ہزار ہے
اور بسبب مدد اوسی سرباز کے

قاصد مذکور نے سورجال ہرات کی بہ
سیر کی اور دُرانیون سی سنا کہ اکبر
دوست محمد خان ایک منزل ہے
گرشک سے جانب ہرات حرکت کرتا
تو ایرانی ویسی ہی مقابلہ اور مشکلات سے
بیش آتے جو کہ اونہین درمیان بچلے
محاصرہ کی پیش آئی نہین اور اگر
اس حالت مین ایک انگریز ہے وہان
جا پہنچا اور مسٹر بائنجر صاحب ہرات مین
اونکی پاس قیام کرتا تو اہل ہرات
بیشک اپنی ملک کو سپرد انگریزون کے
کر دیتے اور شاہزادہ یوسف بمجبوری
طرفداری ایرانیون کے ترک کر دیتا
قاصد مذکور یہہ بہی ظاہر کرتا ہے
کہ ایرانیون نے اپنی فوج کی لئی بارکین
بنائی ہین اور درحقیقت اونکی لشکر مین
اسقدر عمارات طیار ہو گیے ہین
کہ بمقابلہ ہرات ایک اور شہر بن گیا ہے
میر محسن نے یہہ بہی کہا کہ پہنچا اور نہا نجا
خان مروسے خیوہ کا واسطی حاصل کرنے
سلطنت ملک مذکور کی باہم لڑ رہی ہین